



فتوح





قاموس واژه‌ها،
معانی شرعی و مفاهیم اصطلاحی و فقهی «حج»

- ۱ -

احرام

قسمت سوم

علی حجتی کرمانی

۲- تلبیه (تلبیات اربع)

دومین شرط از شرایط کیفیت و صحت احرام؛ عبارت است از «تلبیه» و یا «تلبیات اربع» که عبارتند از: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، اکتفا به همین مقدار تلبیه کافی است و احرام «حاج» یا «معتمر» صحیح می‌باشد.

«محقق حلّی» آورده است که احرام در صورتی محقق خواهد گردید که «تلبیات اربع» گفته شود.^۱ و شیخ المحققین صاحب جواهر از کتابهای معتبر فقهی؛ چونان «الانتصار»، «الغنیه»، «الخلافا» و «التذکره»، به آن نقل اجماع محصل و منقول نموده است.^۲

البته اکثریت قریب به اتفاق فقها با تعبیرهایی چون «الأحوط» و یا «الأحوط الأولى»، گفته‌اند که: بدنبال «تلبیات فوق» این عبارات را نیز بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالْتَعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

بدیهی است همانطور که اهل اصطلاح می‌دانند، این قبیل تعبیرات حمل بر «استحباب» و یا «استحباب مؤکد» می‌گردد.

«تلبیه‌های چهارگانه» یک بار بیشتر واجب نیست، لیکن تکرار و زیاد گفتن آن تا آنجا که «حاج» و یا «معتمر» قدرت دارد، مستحب است؛ بویژه در تعقیب هر نماز واجب و یا مستحبی و بهنگام بالا رفتن از بلندی و یا پایین آمدن از سرازیری و نیز در آخر شب، موقع بیدار شدن از خواب، وقت سوار شدن و هنگام زوال خورشید و همچنین آنگاه که کاروانی را ملاقات می‌کنند و بالأخره در سحرگاهان.^۳

«تلبیات اربع» در تحقق احرام آنچنان نقش و دخالت دارد که اگر «حاج» و یا «معتمر» آن را فراموش کند، باید به «میقات» برگردد و گفتن تلبیه را تدارک کند.^۴

شیخ الطائفه اَبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰هـ) در کتاب «النهایه» آورده است: «تلبیه واجب است و ترک آن به هیچ عنوان جایز نیست... و آنچه از تلبیه، حتماً و در شکل فریضه باید گفته شود؛ «تلبیه‌های چهارگانه» است، آری اگر تلبیات دیگری بر «تلبیات اربع» اضافه کند، دارای فضل و ثواب فراوانی است».^۵

بنا به نقل ثقة الاسلام کلینی، معاویه بن عمار تلبیات کامل را از جعفر بن محمد، امام صادق - ع - به ترتیب ذیل آورده است:

«لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالْتَّعَمَّةَ وَ لَكَ الْمُلْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْتِكَ لَيْتِكَ غَفَارَ الذَّنُوبِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلِيَةِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تُبَدِيٌّ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَيْتِكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ يَا كَرِيمَ لَيْتِكَ».^۶

سپس امام - ع - فرمود: تلبیات مزبور را پس از هر نماز واجب و مستحب و بهنگام سیر و حرکت و ورود به وادی و منزل و ملاقات کاروانها و آنگاه که از خواب بیدار می‌شوی و در سحرگاهان و در حد مقدور، تکرار کن و با صدای بلند لَبَّيْكَ بگو^۷...، همه انبیا و مرسلین به این تلبیات، لبیک می‌گفتند. و جمله «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ» را فراوان تکرار کن؛ زیرا رسول خدا - ص - به هنگام تلبیه گفتن، این جمله را زیاد می‌گفتند. و نخستین شخصیتی که در تاریخ تلبیه گفت، حضرت ابراهیم - ع - بود.

آنگاه حضرت خطاب به راوی این چنین ادامه داد: خداوند شما را به انجام مناسک حج و زیارت بیت الله الحرام دعوت فرمود. پس به دعوت ذات اقدس الهی بوسیله «تلبیه» پاسخ گوید...^۸

* * *



۳- پوشیدن دو جامهٔ احرام

سومین شرط از شرایط صحت احرام، پوشیدن دو جامه است پس از کندن لباسهای دوخته که یکی را «ازار = لنگ» و دیگری را «رداء = عبا» می‌نامند.^۹ محقق حلی در کتاب «شرایع» تحت عنوان «واجبات احرام»، سومین واجب از واجبات احرام را «لبس ثوبی الإحرام = پوشیدن دو جامهٔ احرام» دانسته و می‌نویسد: پوشیدن دو جامه مزبور واجب است و آنچه را که در نماز پوشیدن آن جایز نیست، در احرام هم جایز نمی‌باشد. حال آیا پوشیدن حریر برای زنها جایز است؟ برخی از فقها فتوای به صحت داده‌اند؛ زیرا پوشیدن حریر در نماز برای زنان جایز است.^{۱۰} ولی بعضی از آنها در

احرام نهی نموده‌اند و این به احتیاط نزدیکتر است.^{۱۱} محرم می‌تواند بیش از دو جامهٔ احرام بپوشد و نیز می‌تواند آنها را تعویض کند، اما بهنگام طواف بهتر آن است در همان دو لباسی که در حال احرام پوشیده است، طواف خانه خدا را بجای آورد.^{۱۲}

شیخ مفید در «باب صفة الإحرام» می‌نویسد:

«و یلبس ثوبی احرامه یا تزر باحد هما، و یتوشح^{۱۳} بالآخر، او یرتدی به».^{۱۴}

و محرم باید دو جامهٔ احرام را یکی به عنوان «ازار» و دیگری را به عنوان «وشاح» یا «ردا» بپوشد. جالب توجه این که شاگرد برجسته و پرآوازهٔ شیخ مفید - ره -؛ یعنی شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی - اعلیٰ الله مقامه - عین عبارت استاد خویش را بدون کم و زیاد در کتاب «النهایه...» خود آورده است.^{۱۵}

آنگاه شیخ مفید بهترین و شایسته‌ترین لباس را جهت احرام، جامه‌ای می‌داند که از پنبه و یا کتان سفید بافته شده باشد.^{۱۶}

و شیخ صدوق بهترین اوقات را برای احرام، موقع ظهر و پس از فراغت از نماز ظهر دانسته و سپس می‌نویسد: «سزاوارتر آن است که احرام پس از نماز واجب انجام پذیرد، ولی در صورت عدم امکان، شش رکعت نماز مستحبی بخواند و سپس محرم گردد. و اگر نتوانست تنها به دو رکعت بسنده کند؛ بدین ترتیب که در رکعت اول پس از حمد، سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، و در رکعت دوم بعد از خواندن سورهٔ مبارکهٔ حمد، سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را قرائت کند.^{۱۷}

فقیه عالی‌مقام مرحوم «شیخ محمد حسن نجفی»، صاحب جواهر، پس از بررسی مجموعهٔ «نصوص و فتاوی» در زمینهٔ پوشیدن لباس احرام، این چنین استنباط می‌کند:

«موقع و محل پوشیدن دو جامهٔ احرام پیش از عقد و تحقق احرام می‌باشد، بلکه این پوشش از جملهٔ مقدماتی است که بوسیلهٔ آن، برای «احرام» آمادگی ایجاد می‌گردد. البته به نحوی که در حال «قصد و عقد احرام» پوشیدن دو جامهٔ احرام حاصل شده باشد. و در کلمات فقها نیز این مطلب مفهوم است که معمولاً می‌گویند:

«إذا اراد الإحرام وجب علیه نزع ثیابه و لبس ثوبی الإحرام...»^{۱۸}

«آنگاه که «حاجی» یا «معتمر» قصد و ارادهٔ احرام نمود، واجب است لباس (معمولی و دوخته) خویش را بیرون آورده و دو جامهٔ احرام بپوشد...»^{۱۹}

وی در ادامه تحقیق دقیق فوق می نویسد:

«... در حال احرام بقاء و استدامه پوشش لباس احرام واجب نیست؛ زیرا همانطور که صاحب مدارک بر اساس قطع فتوا داده است: همان صدق امثال امر به طبیعت بر تن کردن دو جامه احرام، کافی است...»^{۲۰}

از آنچه که از خامه توانا و محققانه این فقیه سترگ برمی آید:

پوشیدن دو جامه احرام از مقدمات و زمینه های «احرام» بشمار می آید و در ماهیت تحقق آن هیچگونه دخالتی ندارد؛ و به عبارت دیگر، بر تن کردن لباس احرام از جمله چیزهایی است که تهیو و آمادگی را جهت داخل شدن «حاجی معتمر» در محدوده احرام شرعی (که به مجرد آن اوامر و منهیاتی متوجه وی می گردد)، ایجاد می نماید. و به گمان ما استنباط «صاحب جواهر» همان است که فقیه عظیم الشأن و نام آور معاصر، حضرت امام خمینی - ره - بدان توجهی ظریف و پژوهشگرانه نموده اند.

مغفور له در نخستین مسأله از مسایل ۲۷ گانه سومین واجب از واجبات احرام^{۲۱}

می نویسد:

«در میان آرا، رأی نیرومند و متین این است که: پوشیدن دو جامه احرام، در تحقق احرام شرط نیست، بلکه خود واجبی است تعبدی (و مستقل)...»^{۲۲}

و به دنبال همین مسأله می گویند: «کیفیت خاصی در بر تن کردن دو جامه احرام اعتبار ندارد. و احتیاط آن است آنها به طریق معمول و مألوف پوشیده شوند...»^{۲۳}

آنگاه در طی مسایل همین باب، به سه نکته مهم ذیل عنایت می کنند:

۱- برای زنان پوشیدن دو جامه احرام واجب نیست، بلکه برای آنها جایز است که در همان لباسهای دوخته خود، مُحرم گردند.

۲- اگر از روی علم و عمد بهنگام اراده احرام، لباس دوخته پیوشد و یا دو جامه احرام را به تن نکند، نافرمانی و معصیت پروردگار را کرده، لکن احرام وی بطور صحیح تحقق یافته است. و اگر در این زمینه در واقع معذور بوده، گناهی هم مرتکب نشده است.

۳- در احرام، طهارت از «حدث اصغر» و «حدث اکبر» شرط نیست.

بنابر این انسان می تواند در حال جنابت، حیض و نفاس، مُحرم شود.^{۲۴}

فضل، آداب و اسرار تشریح احرام و تلبیه در روایات:

۱- رسول اکرم - ص - فرمود:

«کسی که در احرام خویش بر اساس ایمان و حضور قلب هفتاد مرتبه لبیک بگوید، من خداوند را گواه می‌گیرم که هزاران هزار فرشته برای او برات از آتش و برات از نفاق را به ارمغان آورند».^{۲۵}

۲- رسول گرامی اسلام فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی از هر چیز چهار تا برگزید: از ملائکه؛ جبرائیل، میکائیل، اسرافیل و ملک الموت (عزرائیل) - علیهم السلام - را اختیار فرمود. و از انبیاء ۴ نفر را: ابراهیم - ع -، و داود - ع -، و موسی - ع - و من - ص - و از بیوتات ۴ خانه را برگزید».

پس این آیه شریفه را قرائت فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ».^{۲۶}

و برگزید از شهرها چهار شهر را، خداوند می‌فرماید:

«وَالتَّيْنَ وَ الزَّيْتُونَ، وَ طُورِ سِينِينَ، وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ».^{۲۷}

مراد از «تین» در آیه شریفه فوق، شهر مدینه است و «زیتون»، بیت المقدس، و «طور سینین»، کوفه و «هذا البلد الامین»، مکه. و از زنها ۴ نفر را اختیار فرمود: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه - علیهن السلام - و از «حج» ۴ چیز را برگزید: «الثَّجَّ، العَجَّ، الاحرام و الطواف». اما «ثَجَّ» عبارت از نحر و قربانی است و «عَجَّ» یعنی ضجّه و فریاد مردم به تلبیه. و از ماههای سال، ۴ ماه را اختیار کرد:

«رجب، شوال، ذوالقعدة و ذوالحجه». و برگزید از روزها، ۴ روز را: روز جمعه، روز

ترویه^{۲۸}، و روز نحر (عید قربان) و عرفه.^{۲۹}

۳- امام امیرالمؤمنین علی - ع - فرمود:

«کسی نیست که «تلبیه» بگوید، مگر اینکه آنچه که در طرف راست و چپ او قرار دارند، تا آخرین مقطع و نقطه خاک، (هم آوای او) تلبیه بگویند، و دو ملک خطاب به وی

می‌گویند: بشارت باد تو را ای بنده خدا و پروردگار بنده‌ای را بشارت نمی‌دهد مگر به بهشت».^{۳۰}

۴- از امام صادق - ع - سؤال شد: «آیا رسول خدا - ص - در شب محرم می‌شدند و یا در روز؟ حضرت پاسخ فرمود: در روز؛ حلبی می‌گوید: پرسیدم: در چه ساعتی؟ پاسخ فرمود: در وقت نماز ظهر. باز سؤال کردم: رأی شما درباره احرام ما چیست؟ (یعنی در روز یا شب و در چه ساعتی محرم گردیم؟) حضرت جواب داد: برای شما فرقی ندارد...»^{۳۱}

۵- از امام صادق - ع - سؤال شد: آیا برای کسی که جهت «عمره تمتع» محرم شده است، آشکار ساختن «تلبیه» جایز است؟ امام پاسخ فرمود: آری؛ زیرا رسول اکرم - ص - پس از احرام تلبیه را (آشکارا) می‌گفت، بدینجهت که مردم چگونگی تلبیه را نمی‌دانستند و آن حضرت دوست داشت تأکفیت تلبیه را به ایشان بیاموزد.^{۳۲}

۶- از امام علی بن موسی الرضا - ع - منقول است: «برای این «احرام» بر مردم واجب شده است تا پیش از دخول در حرم خدا خشوع یابند، و برای این که از اشتغال به امور دنیا و زینت‌ها و لذت‌های آن بازایستند؛ علاوه بر این، در احرام تعظیم خداوند و بزرگداشت خانه او و ذلت نفس انسانی است، آنگاه که اراده کرده است به سوی خدای تعالی گام بردارد».^{۳۳}

ادامه دارد



پاورقی‌ها:

- ۱- «فلا ینعقد الإحرام لتمتع ولا لمفردٍ إلا بها...» شرایع الإسلام فی مسایل الحلال و الحرام، المحقق الحلّی ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۵/ تحقیق و اخراج و تعلیق: عبدالحسین محمد علی، منشورات دارالاضواء بیروت - لبنان.
- ۲- جواهر الکلام فی شرح شرایع الأحکام، شیخ الفقها الشیخ محمد حسن النجفی، ج ۱۸، ص ۲۱۶. دارالکتب الإسلامیه - تهران.
- ۳- ر. ک: المقننه، فخر الشیعه محمد بن محمد بن النعمان الملقب بالشیخ المفید، متوفای ۴۱۳ هـ. ق، ص ۳۹۸، مؤسسه النشر الإسلامی، بقم المشرفه.
- ۴- «لونسی التلبیه وجب علیه العود الی المیقات لتدارکها...»، تحریر الوسیله، امام خمینی - ره -، ج ۱، ص ۴۱۵/ مطبعة الآداب فی النجف الاشرف.
- ۵- النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۱۵، انتشارات قدس محمدی.
- ۶- فروع کافی، ج ۴، ص ۳۳۶ - شیخ مفید - ره - در کتاب «المقننه، ص ۳۹۸» فراز زیر را نقل کرده است:

«لَبَّيْكَ اتَّقِرْب اليك بحمد و آله لَبَّيْكَ».

۷- شیخ طوسی - ره - دربارهٔ جهریه تلبیات این چنین فتوا می دهد:

والجهر بها سنة مؤكدة للرجال، وليس ذلك على النساء...

و محقق حلی نیز تحت عنوان «مندوبات تلبیه» نخستین حکم مستحبی تلبیه را: «رفع الصوت بالتلبیه للرجال...» ذکر کرده است.

و این مبتنی بر روایاتی است که از رسول اکرم - ص - و امامان معصوم - علیهم السلام -، نقل شده است؛ از جمله: صحیح عمر بن یزید: «و اجهر بها کلما رکبت و کلما نزلت...» (وسائل الشیعه، باب ۴، من ابواب الإحرام، حدیث ۳) و نیز مرفوع حرزین عن الصادقین - علیهما السلام -: «مما احرم رسول الله - ص - اتاه جبرئیل - ع - فقال له: «مر اصحابک بالعمج و الشج؛ و العمج رفع الصوت بالتلبیه، و الشج نحر البدن (وسائل الشیعه، باب ۳۷ من ابواب الإحرام، حدیث ۱) و نیز حدیث مستدرک به نقل از بعضی نسخه های فقه الرضا - ع -: «عن رسول الله - ص -: اتانی جبرئیل فقال: مر اصحابک ان یرفعوا اصواتهم بالتلبیه فانه من شعار الحج. و سئل النبی - ص - فقیل: ایّ الحج افضل؟ قال: العمج و الشج، قیل ما العمج و الشج؟ قال: العمج الضجیح و رفع الصوت بالتلبیه و الشج النحر. (المستدرک، ج ۲، ص ۱۱۶)

و همچنین روایت علی - ع -: «قال امیرالمؤمنین - ع -: جاء جبرئیل الی النبی - ص - و قال له: إن التلبیه شعار المحرم فارفع صوتک بالتلبیه (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۴) و نیز حدیث کلینی از ابابصیر: عن ابی عبدالله - ع -: «ليس على النساء جهر بالتلبیه... (فروع کافی، ج ۱، ص ۲۷۷) و روایت فضالة بن ایوب از امام صادق - ع -: «إنَّ الله وضع عن النساء اربعاً: الجهر بالتلبیه، والسعی بین الصفا و المروة و دخول الکعبة و الإستلام (حجر الأسود). البتة همانطور که شیخ حرّ عاملی در ذیل این روایت آورده است: مراد از سعی در اینجا «هروله» است.

چنانچه در حدیث ذیل، در متن خود حدیث منظور از «سعی بین صفا و مروه» آمده است: عن ابی سعید المکّاری، عن ابی عبدالله - ع - قال: إنّ الله - عزّ و جلّ - وضع عن النساء اربعاً: الإجهار بالتلبیه، و السعی بین الصفا و المروة؛ یعنی الهروله، و دخول الکعبة، و استلام الحجر الأسود. (ر.ک: «وسائل الشیعه، ج ۵، باب عدم استحباب جهر النساء بالتلبیه، حدیث ۱ و ۲، ص ۵۱/ من منشورات مکتبه الاسلامیه).

۸- فروع کافی، ج ۴، ص ۳۳۶.

۹- در منتهی آورده است:

إذا اراد الإحرام وجب علیه نزع ثیابه و لبس ثوبی الاحرام بان تیزر باحدهما و یرتدی بالآخر. (جواهر الکلام، ج ۱۸، کتاب الحج، ص ۲۳۹).

۱۰- در صحیح حرزین از امام صادق - ع - روایت شده است: کل ثوب یصلی فیهِ فلا یاس بالإحرام فیهِ (وسائل الشیعه، باب ۲۷، حدیث ۱).

۱۱- بسیاری از فقهای معاصر بدین احتیاط گراییده اند، از جمله امام خمینی - ره - که در مسأله ۲۰ باب «کیفیه الإحرام» کتاب الحج، تحریر الوسیله می نویسد:

«... بلّ الأحوط للنساء ایضاً أن لا یكون ثوب احرامهن من حریر خالص، بل الأحوط لهنّ عدم لبسه الی آخر الإحرام». (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷)

۱۲- شرایع الإسلام...، ح ۱ و ۲، ص ۲۴۶.

۱۳- وَشَحَّ (قَلَد الوشاح): حمایل آویخت. توشح بسیفه: تقلد به: شمشیرش را حمایل کرد. تَوَشَّحَ بثوبه. لبسه او ادخله تحت ابطه فالفاه علی منکبه: لباسش را پوشید، یا لباس خود را از زیر بغل رد کرد و روی شانه

- انداخت. (المنجد فى اللغة والاعلام، چاپ ۲۳، ص ۹۰۱)
- ۱۴ - المقنعة، شيخ مفيد، ص ۳۹۶، مؤسسة النشر الإسلامی.
- ۱۵ - النهاية فى مجرد الفقه والفتاوى، ص ۲۱۲، انتشارات قدس محمّدى.
- ۱۶ - المقنعة، ص ۳۹۶. و افضل الثياب للاحرام البيض من القطن او الكتان.
- ۱۷ - النهاية...، شيخ الطائفة، صدوق - ره -، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.
- ۱۸ - و يا به تعبير امام خمينى در «تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۱۶»: ... لبس ثوبين بعد التجرد عمّا يحرم على المحرم لبسه.
- ۱۹ - جواهر الكلام، ج ۱۸، كتاب الحج، ص ۲۳۹، دارالكتب الإسلاميه، مرتضى آخوندى - تهران.
- ۲۰ - همان مدرک، ص ۲۳۹ - امام خمينى به عين فتاوى صاحب جواهر در «تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۱۷» تمايل کرده و مى گویند: لا تجب استدامة لبس الثوبين... بل الظاهر جواز التجرد منها فى الجملة.
- ۲۱ - لبس ثوبى الاحرام و يا لبس الثوبين... (ر.ک: «شرايع الاسلام، محقق حلى، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۶/ دارالاضواء - بيروت.
- ۲۲ - تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۱۶.
- ۲۳ - همان، ص ۴۱۷.
- ۲۴ - همان، ص ۴۱۷ و ۴۱۸.
- ۲۵ - فروع كافى، ج ۴، ص ۳۳۷: «... اشهد الله له الف الف ملك براءة من النار و براءة من النفاق».
- ۲۶ - آل عمران: ۳۳.
- ۲۷ - التين: ۳ - ۱.
- ۲۸ - روز هشتم ذیحجه كه حجاج پس از انجام «عمره تمتع» مجدداً جهت حَجَّة الاسلام محرم شده و عازم عرفات می گردند.
- ۲۹ - الخصال، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.
- ۳۰ - من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۲: «... و قال له الملكان: ابشر يا عبدالله و ما يبشرالله عبداً إلا بالجنة».
- ۳۱ - فروع كافى، ج ۴، ص ۳۳۲.
- ۳۲ - فروع كافى، ج ۴، ص ۳۳۴: «... لأنّ الناس لم يكونوا يعرفون التلبيه فاحب ان يعلمهم كيف التلبيه».
- ۳۳ - وسایل الشيعه، ج ۹، ابواب الاحرام، ص ۳ - عيون الرضا، ج ۲، ص ۱۲۱.

